شرایط سخت کار در کارخانه آزمایش

کارخانه آزمایش در کیلومتر ۸ جاده دماوند واقع شده است و هم اکنون زیر پوشش صنایع ملی ایران قرار دارد. تولید این کارخانه تا پیش از انقلاب عبارت بود از لوازم خانگی از قبیل یخچال، آبگرمکن نفتی، کولر آبی، بخاری نفتی، ماشین لباسشویی و تلویزیون. از سال ۵۷ به بعد بتدریج تغییراتی در خطوط تولید و بخشهای کارخانه بوجود آمد. از جمله اینکه خط تولید تلویزیون و بخش ریخته گری سنتی یا ماسه ای تعطیل شدند و خطوط تولید بخاری گازی و فیش باخ راه اندازی شدند.

پس از تاسیس شعبه دیگری از این کارخانه در مرودشت، پس از سال ۵۷، خطوط تولید یخچال، فریزر، ماشین لباسشویی، و کولر پرتابل به آنجا منتقل شد. این شعبه مکانیزه تر از شعبه تهران میباشد. بخشی از مواد اولیه کارخانه از کشورهای خارج تامین میشود، اکثر قطعاتی که در تولید مورد استفاده قرار میگیرد در خود کارخانه ساخته میشود و برخی از آنها از سایر کارخانه هایی چون موتوژن تبریز و گروه صنعتی ملی خریداری میگردد.

در سال ۶۵ دولت به علت کم کردن بودجه ارزی کشور، بعضی از کارخانه ها را از جمله کارخانه آزمایش را "مستقل" اعلام کرد، به این معنی که کارخانه باید خود کالاهایش را در بازار آزاد بفروشد و ارز مورد نیازش را هم از بازار آزاد تهیه کند.

تولید در این کارخانه در ۷ سالن صورت میگیرد که شامل سالنهای ریخته گری، قالب سازی، پلاستیک سازی، پوشال سازی، یخچال سازی، ماشین سازی و سری کاری و تلویزیون است. هم اکنون خط تولید تلویزیون تعطیل شده است. علاوه بر اینها، کارخانه دارای بخشهایی چون سه انبار و دو ساختمان اداری است.

کارگران در این کارخانه در شرایط بسیار سختی کار میکنند، در اکثر سالنها سر و صدا زیاد است. طوری که این مسئله مشکل جدی و مایه اذیت آنها میباشد. در قسمت تولید کولر، کارگران با پوشال کار میکنند و ذرات پوشالی که در هوا پخش میشود، به چشم و ریه کارگران آسیب میرساند. هوای کارخانه بسیار کثیف و آلوده است. اکثر دستگاهها قدیمی اند و فاقد تجهیزات ایمنی و حفاظتی هستند، مدیریت در جهت تعویض و یا تجهیز دستگاهها به وسایل ایمنی هیچ اقدامی نکرده است. در حالیکه تهیه بسیاری از وسایل ایمنی با بودجه بسیار کمی میتواند صورت گیرد.

تعداد کارگران این کارخانه در طول چند سال گذشته تغییرات زیادی کرده است. تعداد کارگران از حدود ۱۰۰۰ نفر در سال ۶۴ به حدود ۳۵۰ نفر کاهش یافت. در نتیجه اجرای سیاست بیکارسازیها در این کارخانه حدود ۶۰۰ کارگر بازخرید و اخراج شدند. از جمله در جریان بیکارسازیها در سال ۶۶، مدیریت کارخانه آزمایش اعلام میکند که کسانی که داوطلب باشند میتوانند تقاضای بازخرید نمایند و مزایائی که به آنان تعلق میگیرد ترتیب نزولی دارد بدین قرار که با سابقه کار ۳ سال، دو ماه و نیم، با سابقه کار ۳ تا ۷ سال، ۴۵ روز و با سابقه کار ۷ سال به بالا، سالی یک ماه مزایا تعلق میگیردو کارگران قراردادی (که تقریبا نزدیک به ۴۰۰ نفر میباشند) تا آخر آذر ماه فرصت دارند خود را بازخرید کنند. عوامل مدیریت نیز کارگران را به بازخرید تشویق میکنند که "بخت خود را لگد نکنید، خود را بازخرید کنید". کارگران نیز تحت تاثیر همین تبلیغات و همچنین ترس از وضع بد مالی کارخانه در فردای بحرانی تر که حتی همین مزایا هم به آنان تعلق نگیرد، از جمله حدود ۱۵۰ نفر در عرض یک هفته تقاضای بازخرید نمودند. از جمله اقدامات مدیریت در رابطه با بیکارسازیها و بازخرید کارگران، اعلام این مساله به کارگران بود که اگر خود را بازخرید نکنند ۲۰۰ نفر راکه سنشان پائین تر از ۴۱ سال باشد به شعبه شیراز کارخانه اعزام خواهند کرد. کارگران نسبت به این تصمیم معترض بودند.

این کارخانه در حال ماضر حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ کارگر دارد. تعداد کارگران فنی و ماهر در این کارخانه کم است. اکثر کارگران با سابقه کارگران مهاجر از روستاها میباشند. حدود ۲۵ کارگر زن در کارخانه مشغول بکارند. تعداد زنان در گذشته بیشتر از این بود. حدود ۳۰ نفر از زنان طی دو سال گذشته اخراج شدند.

این کارخانه همیشه تعدادی کارگر پیمانی و موقت دارد که با هر تغییری در وضع و اوضاع آنها را اخراج میکنند. برای آنکه مزایای ناچیز کارگر رسمی و با سابقه به آنها تعلق نگیرد، این بخش از کارگران دائما در حال اخراج و استخدام میباشند. مدیریت دست سرکارگران را در اخراج کارگران بسیار باز گذاشته است. بطوریکه هر کارگر معترضی را میتوانند به کارگزینی بفرستند تا اخراج شود. این مسئله باعث شده‌که جو خفقان و رعب در کارخانه حاکم شود. مدیریت برای سرکوب کارگران، حراست و انتظامات کارخانه را سازمان داده است و اکثر پرسنلی که در حراست کارخانه قبل از انقلاب خدمت میکردند را بکار گرفته است.

از پیش از انقلاب تا سال ۶۴ کار در این کارخانه دو شیفته بود. شیفت اول از ساعت ۷صبح تا ۲ بعد از ظهر و شیفت بعدی از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۷ صبح بود. در آن هنگام کارگران شیفت اول صبحانه و ناهار و کارگران شیفت دوم شام و صبحانه را در کارخانه میخوردند. در سال ۶۴ صبحانه را قطع کردند و چند ماه بعد با اخراج حدود ۲۰۰ نفر کار را یک شیفته کردند. بعدها با اخراج و اعزام کارگران به صنایع دفاع، که حدود ۳۰۰ نفر دیگر از کارگران کم شد، دادن ناهار هم در کارخانه متوقف گشت. و ساعات کار بدون تنفس و بدون زمان صرف غذا و استراحت اعلام شد. در حال حاضر ساعت کار کارگران ۴۴ ساعت در هفته است.

دستمزد کارگران متناسب با حداقل دستمزد سراسری است. از سال ۶۵ بخش عمده‌ای از دریافتیهای کارگران حذف گردید. برای مثال دریافتیهایی چون حق تولید، حق سختی کار، حق شیفت قطع گردید. دادن لباس و کفش هم به کارگران تق و لق شد. شیر و قند هم که سابقا بطور مرتب به کارگران داده میشد مدتهاست که با فواصل طولانی و بطور نامرتب در اختیار آنها قرار داده میشود.

با اجرای طرح طبقه بندی در شهریور ۶۴ که کارگران چشم امیدی به آن بسته بودند، حقوق پایه کارگران تغییر زیادی نکرد. و تنها حدود ۱۰ تا ۱۵ تومان به حقوق کارگران رسمی اضافه شد.

ایمنی در مقابل مخاطرات ناشی از کار در این کارخانه بسیار پائین است. اکثر دستگاهها از جمله دستگاه تراش و دستگاه پرس قدیمی و بدون سیستم ایمنی و حفاظتی هستند. روزی نیست که کارگری بدلیل بالا بودن شدت کار و عدم تجهیزات ایمنی لازم از یک طرف و فقدان لباس مناسب از طرف دیگر، صدمه نبیند. قطع شدن انگشتان زیر دستگاه‌پرس، افتادن قطعات آهن بر روی انگشتان و بدن کارگران، برق گرفتگی و نیز افتادن قطعات دستگاه تراش به روی کارگران، از جمله حوادث روتین در این کارخانه میباشد. مثلا چند سال پیش سر یک کارگر زیر دستگاه پرس ریخته گری گیر کرد و مغزش به در و دیوار پاشید. در حال حاضر در اثر فقدان حداقل وسائل ایمنی حدود ۲ درصد کارگران آزمایش دچار سانحه می شوند. هم اکنون چند ده نفر کارگر که در حین کار، دست، پا، و یا انگشتانشان را از دست داده‌اند، در این کارخانه مشغول بکارند. تا سال ۶۴، هرشش ماه یکبار لباس و کفش کار در اختیار کارگران گذاشته میشد. ولی از آن زمان به بعد تحویل اینها هم مرتبا دچار وقفه شده است. این در حالی است که بعلت اینکه کارگران با آهن آلات، اسید و مواد مذاب سرو کار دارند، لباسهای کار در کمتر از ۳ تا ۴ ماه میپوسد و از بین میرود. از آنجا که حتی به کارگران ریخته گری و قسمت لعاب که با مواد مذاب و اسید سر و کار دارند هم لباس معمولی داده میشود، بسیار اتفاق میافتد که دست و صورت کارگران ریخته‌گری در اثر پرتاب مواد مذاب بسوزد و آسیب ببیند.

امکانات بهداشتی این کارخانه محدود است به یک بهداری که عملا تنها محلی است برای پانسمانهای ابتدائی و دادن قرصهای مسکن و سرما خوردگی. هیچ دکتری در این محل کارنمی کند. بهداری یک آمبولانس دارد که معمولا در مواقع ضروری در کارخانه حاضر نیست. آبی که در کارخانه مورد استفاده قرار میگیرد، آب تصفیه شده شهر نیست، آب‌چاه است و آهک زیادی دارد و کاملا غیر بهداشتی است. اطاقکهای کوچک با ورقه ها و زایدات فلزی به ابتکار کارگران در هر قسمت ساخته شده تا بعنوان حمام مورد استفاده قرار گیرد. اما از این حمامها بیشتر سرپرستان استفاده میکنند، چرا که کارگران وقت برای استحمام ندارند.

سالن غذاخوری در این کارخانه از سال ۶۴ تعطیل شد. در حال حاضر به کارگران غذا داده نمیشود.

افزایش دستمزد و پرداخت دریافتیهای معوقه از جمله مطالباتی است که کارگران آزمایش همیشه برای تحقق آنها اعتراض و مبارزه کرده‌اند. سابقه این مبارزات به پیشاز قیام بر میگردد. در سال ۵۴ کارگران در اعتراض به پائین بودن سطح دستمزدها و برای اضافه حقوق دست به اعتصاب زدند.

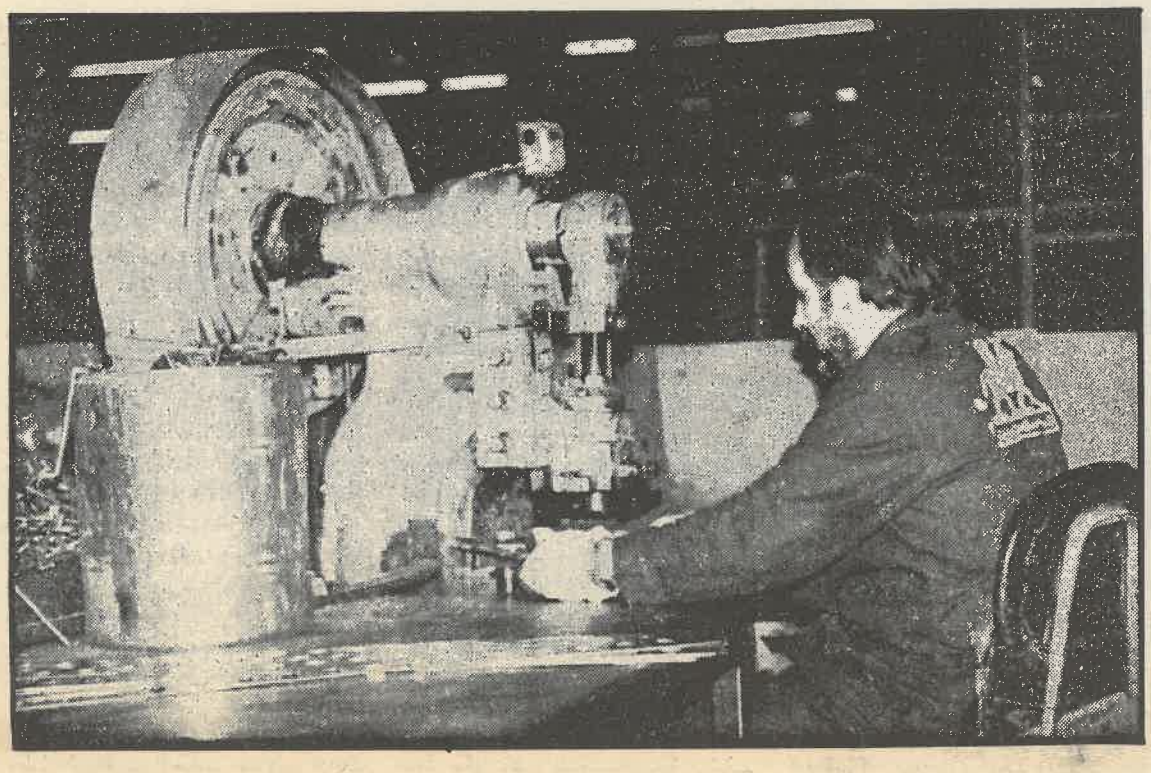
همچنین در سال ۶۴ کارگران قسمت انبارداری کارخانه با خواست افزایش دستمزد، دست به اعتصاب زدند و در دیماه ۶۴ کارگران قسمت تولید با اعتراض یکپارچه خود دریافتی خویش را بالا بردند و حق بهره وری را گرفتند.

از دیگر مبارزات کارگران این کارخانه میتوان به مبارزه آنها علیه سیاستهای مدیریت و توهین و تحقیر کارگران توسط مدیریت نام برد. در سال ۶۰ کارگران اعتصاب و تظاهراتی علیه مدیریت به راه انداختند و طی آن خواستار برکناری مدیر کارخانه شدند.

در دی ماه سال ۶۲ اعتصابی توسط کارگران در اعتراض به توهین مدیر عامل به یک کارگر قدیمی در کارخانه صورت گرفت. در این حرکت کارگران خواهان برکناری مدیر عامل و نمایندگان انجمن اسلامی شدند. همچنین در ۳۱ اردیبهشت سال ۶۵ کارگران به توهین و کتک زدن یک کارگر توسط رئیس خدمات اعتراض کردند.

در مهرماه ۶۸ کارگران کارخانه آزمایش موفق شدند که نماینده منتخب خود را برای بازرسی تعاونی کارخانه بفرستند. شورای اسلامی کارخانه قصد داشت نماینده خود را جهت بازرسی کارخانه معرفی کند.

تنها تشکلی که کارگران آزمایش در ایجاد و فعالیت آن دخالت داشته‌اند، صندوق تعاونی وام است. نحوه اداره این صندوقها معمولا در کشمش بین کارگران و سرکارگرها تعیین میشود. در مواردی توسط کارگران و در مواردی دیگر توسط سرپرستها اداره میشود. مثلا در بعضی از این صندوقها کارگران عضو، در جریان کلیه امور صندوق قرار میگیرند و بصورت فعالی در اداره امور صندوق دخالت میکنند، و در تعدادی دیگر، مسئولیت صندوق بدست سرکارگرها افتاده است و کارگران در امور صندوق حق دخالت ندارند. ایجاد این صندوقها باری از دوش کارگران برداشته و در مواقع ضروری کارگران میتوانند از صندوق وام بگیرند. در این کارخانه در هر قسمتی یک صندوق تعاونی وام تشکیل شده که مجموعا تعداد این صندوقها در سال ۶۵ بین ۱۰ تا ۱۲ عدد بود. در جریان بیکارسازیهای سال ۶۴ و ۶۵ بعضی از آنها متلاشی شدند.



صدها هزار کارگر در ایران بیکار میشوند

بقیه از صفحه ۲

قرار گرفته اند. این موضوع نارضایتی و اعتراضات وسیعی را بدنبال داشته است. بطوریکه شوراهای اسلامی جاده مخصوص طی جلسه ۲۳ فروردین ماه خود به اخراج کارگران در واحدهای کارگری به ویژه بنز خاور، چوب بادوام و طرح توسعه راههای ایران اشاره کرده و به مسئولین امر نسبت به عواقب آن هشدار میدهند. همچنین در دیدار مدیر کل کار و امور اجتماعی کرج و اعضای شورای اسلامی و انجمن اسلامی آن با امام جمعه این شهر در ۶ اردیبهشت گفته شد دست اندرکاران اصلاح ساختار اقتصادی معتقدند که بازسازی اقتصادی عوارض بدی در کوتاه مدت برای جامعه در برداره ولی باید آنرا تحمل کرد. همچنین امام جمعه کرج گفت: "واردات کالاهای خارجی جلوی تولید و فروش تولیدات داخلی را خواهد گرفت و در این صورت کارخانجات قادر به پرداخت حقوق کارگران نخواهند شد." از جمله کارگران کارخانه تولید بزنت حتی حقوق اسفند ماه خود را دریافت نکرده اند. تعویق حقوق ماهانه هم اکنون یکی دیگر از مسائلی است که موجب نگرانی و اعتراض کارگران گردیده است.

* کمالی وزیر کار: "گاهی کارفرمایان برای صرفه جویی و کنترل بیشتر نیاز به طرح تعدیل نیروی انسانی دارند که با بررسی همه جانبه این کار صورت میگیرد. در برخی موارد کارفرماها بر اساس توافق و مذاکره با کارگران و پرداخت مبالغی پول به آنان، با رضایت کارگران طرح تعدیل را انجام میدهند. وی گفت هم اکنون در ایران چیزی به اسم بحران بیکاری نداریم.

* بیکار سازی ۵۰ کارگر پارس الکتریک: در کارخانه پارس الکتریک در اسفند ماه گذشته ۵۰ کارگر بازخرید شدند. طبق گزارشات هم اکنون گروه صنایع خانگی مثل کارخانجات ارج، آزمایش، پارس الکتریک و... همگی با افت شدید بازار فروش و کارگر مازاد روبرو شده اند.

* بیکار سازی ۲۰۰ کارگر در تراکتور سازی تبریز: در کارخانه تراکتور سازی تبریز یک لیست ۲۰۰ نفره از کارگران قراردادی سه ساله را جهت اخراج تنظیم کرده اند. مدت قرارداد این کارگران پایان یافته و در صورت انعقاد قرار داد جدید کارفرما موظف به رسمی کردن آنهاست. گفته میشود که این لیست بزودی رسما اعلام خواهد شد. این اخبار زمزه اعتراضاتی را بوجود آورده است و خود موجب نگرانی مسئولین کارخانه و بخش حراست در اعلام یکباره این لیست شده است.

* بیکاری سازی در ایران کاوه: کارخانه ایران کاوه که کامیونهای ولوو را مونتاژ میکند تصمیم به بازخرید بخشی از کارگران گرفته است. هم اکنون تولید این کارخانه بشدت کاهش یافته است.

* بیکار سازی در سایپا: کارخانه سایپا تعداد زیادی از کارگران خود را بازخرید کرده است. طبق گزارشات، این کارخانه خط تولید رنو را بکلی تعطیل کرده و فقط مونتاژ وانت نیسان را انجام میدهد. سال گذشته صحبت مونتاژ ۳ هزار دستگاه رنو ۲۱ بود، ولی تعداد زیادی رنو ۲۱ از خارج وارد شد و فقط ۷۵ دستگاه رنو مونتاژ شد و سپس این خط مونتاژ نیز تعطیل گردید.

* ارائه طرح تعدیل نیروی انسانی به مجلس: رئیس کمیسیون کار، غریبانی، در گفتگویی مطبوعاتی با روزنامه کار و کارگر در ۴ اردیبهشت ماه گفت: "آنچه در وضعیت کنونی و در آستانه هفته کارگر موجب بروز نگرانی های کارگران شده است، بحث تعدیل نیروی انسانی است که برای رفع آن کمیسیون کار مجلس طرحی را جهت تصویب مجلس شورای اسلامی تهیه نموده است". همچنین اصغر بادبان یکی از مسئولین خانه کارگر طی سخنانی به بیکار شدن قریب الوقوع یک میلیون کارگر اشاره کرد.

* تصویب طرح تغییر ساختار تولید در شورای عالی کار: شورایعالی کار با حضور نمایندگان شوراهای اسلامی و کارفرماها، به ریاست حسین کمالی وزیر کار در جلسه ۲۰ اردیبهشت خود طرح تغییر ساختار تولید کارخانجات کفش نگهبان قزوین، نخ ساز اصفهان و اپتموس تهران را تصویب کرد. تغییر ساختار تولید، بیکار سازی کارگران زیادی را در این کارخانجات بهمراه خواهد داشت.